

نمایش «شیار ۱۴۳» در شام تشییع شهدای غواص



«شیار ۱۴۳» دومین اثر سینمایی نرگس آبیار قرار است دوشنبه شب ۲۵ خردادماه و در شام تشییع شهدای غواص از شبکه افق پخش شود. به گزارش تسنیم، سه‌شنبه این هفته ساعت ۴ بعدازظهر میدان بهارستان تهران محل اجتماع تشییع‌کنندگان ۲۷۰ شهید تازه تفحص خواهد بود. ۲۷۰ شهید دفاع مقدس از عملیات کربلای ۴ که طی عملیات اخیر تفحص کشف شده و از طریق مرز شلمچه وارد کشور شدند و پخش فیلم «شیار ۱۴۳» رجوعی دوباره به دلدادگی‌های شهداد و عشق و ایثار است. اثری که ۲ سال پیش در جشنواره فیلم فجر همه را شگفت‌زده کرد و روایت زندگی مادر شهیدی است که سال‌ها در انتظار دیدار فرزندش منتظر مانده بود. این فیلم سال گذشته به سینماهای کشور رفت و شهر به شهر میزبان مادران و خانواده‌های شهید بود. پیش از این محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده فیلم «شیار ۱۴۳» گفته بود که این فیلم در هفته دفاع‌مقدس از رسانه ملی پخش خواهد شد. ظاهراً شباهت روایت شهید فیلم «شیار ۱۴۳» به ۲۷۰ شهیدی که سه‌شنبه در شهر تهران تشییع می‌شوند، تصمیم فیلمسازان برای پخش در رسانه ملی را عوض کرده است. سه‌شنبه ساعت ۱۶ از میدان بهارستان تا معراج‌الشهدای تهران غوغایی است که نقش اول آن را شهیدان ایفا می‌کنند و این آخرین تشییع با این تعداد شهید دوران ۸ سال دفاع مقدس است.

نقاشی کودکان ایرانی برای علی‌رضا آرمتا

در جدیدترین طرح جشنواره عمار، کودکان ایرانی با نوشتن نامه و کشیدن نقاشی برای آرمتا رضایی‌نژاد و علی‌رضا احمدی‌روشن به این دو فرزند شهدای هستم‌ای ایران ادای احترام می‌کنند. به گزارش تسنیم، رضا کیوبند، دبیر ارکان‌های مردمی جشنواره عمار گفت: در مدرسه‌ای به نام «شهدای هستم‌ای» در کرج، فیلم‌های جشنواره عمار را برای دانش‌آموزان اکران می‌کردند و گزارش‌های آن‌ها به هیات‌شان به ما می‌رسید. ۴ کلاس این مدرسه به نام ۴ شهید هستم‌ای کشورمان نامگذاری شده است. مسؤول ارکان‌های مردمی جشنواره فیلم عمار با اشاره به اینکه، هم نام این مدرسه «شهدای هستم‌ای» است و هم دانش‌آموزانش همسن و سال آرمتا و علی‌رضا، فرزندان شهدای هستم‌ای هستند، افزود: دانش‌آموزان این مدرسه خطب به علی‌رضا احمدی‌روشن و آرمتا رضایی‌نژاد نامه‌هایی نوشتند و تعدادی هم نقاشی کشیدند تا به دست علی‌رضا و آرمتا برسد. وی در پایان گفت: بعد از جمع‌آوری نامه‌ها به دیدار علی‌رضا و آرمتا می‌رویم و نقاشی‌ها و نامه‌ها را به دست آن‌های رسانیم.

ساخت مستند «اسلام در برابر اسلام»
مستند «اسلام در برابر اسلام» با تکیه بر دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) در تفاوت‌های اسلام ناب و اسلام آمریکایی ساخته و منتشر شد. به گزارش تسنیم، مستند «اسلام در برابر اسلام» برای تبیین دغدغه مغفول حضرت امام (ره) در این باره توسط مجله الکترونیکی اخوت تولید شده است. دغدغه‌ای که رهبر معظم انقلاب نیز در بخشی از بیانات خود در مراسم بزرگداشت ارتحال حضرت امام رحمت‌الله بدان اشاره کردند. در مستند «اسلام در برابر اسلام» به چند نمونه از نمادهای اسلام آمریکایی اشاره شده است. در این مستند با تکیه بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) تفاوت‌های اسلام ناب و اسلام آمریکایی مورد بررسی موردی قرار گرفته و به تبیین رویکرد ایشان در جایگزینی دوگانه «اسلام ناب - اسلام آمریکایی» به جای دوگانه «شیعه - سنی» پرداخته می‌شود.

پردیس‌های سینمایی میزبان طرح «افطار تا سحر» می‌شوند

پردیس‌های سینمایی در روزهای ماه مبارک رمضان میزبان طرح افطار تا سحر خواهند بود. به گزارش تسنیم، در روزهای ماه مبارک رمضان پردیس‌های ملت، تماشیا، راگا و رازی میزبان طرح آنان تا آنان خواهند بود. بر اساس این طرح پردیس‌های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران در ماه مبارک رمضان از اذان مغرب تا اذان صبح با نمایش فیلم‌های سینمایی روی پرده میزبان شهروندان خواهند بود. همچنین در این ماه پردیس‌های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران در همه ساعت‌های نمایش بلیت را با تخفیف ۲۵ درصدی به مخاطبان ارائه خواهند داد.

نگاهی به فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» ساخته صفی یزدانیان

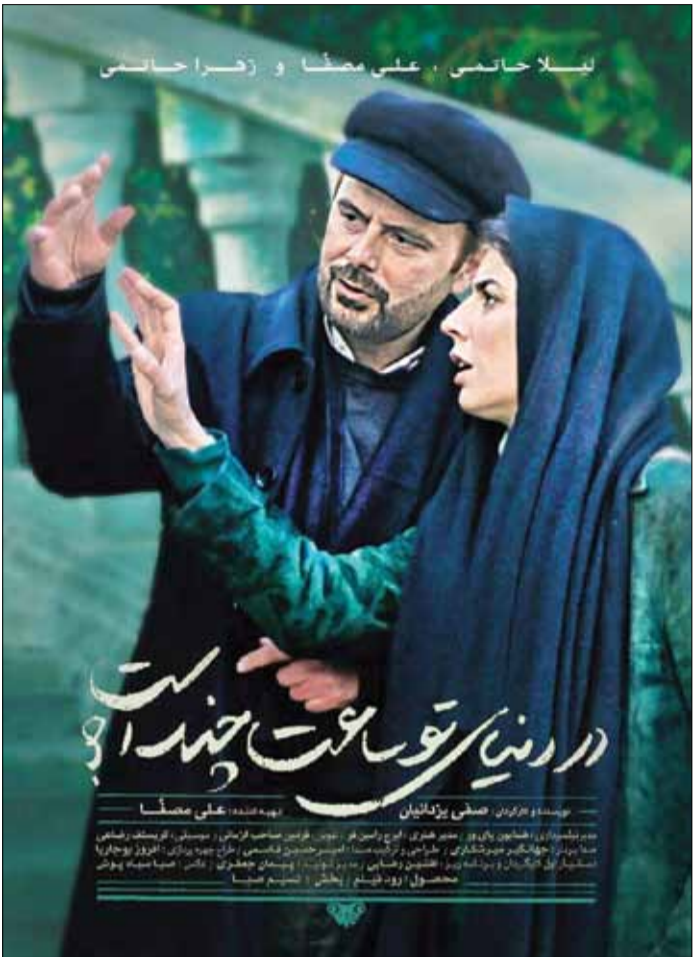
به دنبال ردی از سرانگشت نگاهت

درونی کردن روایت نزد مخاطب نقشی بسزا دارد. از چندی است؟ دعوتی است به جهانی دیگر از تماشای سفری سرخوشانه به عالم خیال که همه‌چیز طعم رهایی دارد و شوق پرواز، بازگشت «گلی» بعد از ۲۰ سال به زادگاهش در رشت بهانه‌ای می‌شود برای خاطره‌بازی در احوال دیروز و تامل به تنفس امروزی که در چهارراهی از غبار و تشویب و فناوری و سرگیجه‌های چرخ‌وار در روزگاری مادی از پا درآمده تا دیگر کمتر نشانی از یاد و یادگاری بر پنجره گشوده از آرزو بر جای بماند و صفی یزدانیان، منتقد آشنا به واژه در اولین قرار فیلمسازی‌اش با مخاطب، نشانی گمشده از راهی می‌دهد که سال‌هاست در عصر پیوندهای سایبری به فراموشی رفته است و البته این فضای شکل یافته از حس غریب نوستالژیک، با ظرافت و دقت در جزئیات فیلمنامه و اجرا، ساختار مناسب سینمایی یافته و برخلاف بسیاری از آثار که به پنهان رجوع به دورانی تاریخی به غارتگری احساس و اندیشه دست زده و فضایی فغان‌زده یا مضحک را در بستر شمالی یادگانه از زیست قرار می‌دهند، در دنیای یزدانیان بدون هیچ‌گونه تصنع در بیان روایت، همراه با فرآیند دلدادگی مردی عاشق‌پیشه چون فرهاد می‌شویم که گویی از یک پیش‌آگاهی ماورای زمینی برخوردار است و برای دور ماندن از نگاه دنباله‌دار برخی در این زمانه پرسش‌مدار، خود را به دیوانگی زده تا با این پوشش فریبنده، دنیای بازگوشانه خود را در قاب عشقی یادگاری از جان نگاهی دلداه حفظ کند. فرهادی که وجودش در رشت آویزان بوده و روحش، پاریسی خیالی می‌سازد و قرار بی‌قراری‌هایش را از انتظار بیوند برآها دارد و هنوز هم طعم همدلی را از پوست پرتقالی نشتسته در کلاس دلدادگی حس می‌کند.

اما راوی این شرح دلدادگی، گیل گل ایتهاچی است که با ورودش چراغ‌های شهر را به بیداری می‌خواند و جنب‌وجوشی دوباره از یادآوری را برای مردمانی بارانی به همراه دارد تا مهربان دچار فراموشی به دنبال عنایت‌الله‌خان برای رفتن به باغ محتشم باشد و آقای نجدی همراه با عکس جوانی‌اش به مرور خاطراتی گمشده در خیابان یادآوری رام برگردد. در این عاشقانه آرام، همچون رهگذران بازار رشت و گریه‌های نشتسته بر بام آرزو، چشم در چشم دوربینی خواهیم داشت که به دنبال ردپای کودکی‌ها می‌شوند و به پنهان خاطرات گلی، تلفیقی شیرین از رویای خاموش و شوقی پدیدار از کافه‌های پاریس تا بازار پریهای ماهی‌فروشان رشت را دوره می‌کنیم و از طرفی با صدای غمزده ویولن سسل و پیانو که یادآور موسیقی‌های ارزنده از فیلم‌های «سرنوشت» شگفت‌انگیز املی پولن و «بابل» بوده و همراه با سیم‌های آنتن‌شن گیتار و سرخوشی‌های آکارتون، پژواک آوایی از دیروز تمنا تا افسونی عاشقانه خواهیم داشت. فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» سرشار از قاب‌بندی‌های زیبا، ترکیب‌بندی‌ها، رنگ‌ها، فیلمنامه‌ای جزئی‌نگر و حس روایتی طنانانه بوده که همه عناصر دیداری و شنیداری را در سفره اجرای اثر چنان ماهرانه می‌چیند تا ضمن میزاسن پیچیده و کمپوزیسیون تصویری، بتوان به سادگی با فایده ارتباط برقرار کرد که در این میان نقش‌آفرینی‌های ارزنده در

درونی کردن روایت نزد مخاطب نقشی بسزا دارد. از چندی است؟ دعوتی است به جهانی دیگر از تماشای سفری سرخوشانه به عالم خیال که همه‌چیز طعم رهایی دارد و شوق پرواز، بازگشت «گلی» بعد از ۲۰ سال به زادگاهش در رشت بهانه‌ای می‌شود برای خاطره‌بازی در احوال دیروز و تامل به تنفس امروزی که در چهارراهی از غبار و تشویب و فناوری و سرگیجه‌های چرخ‌وار در روزگاری مادی از پا درآمده تا دیگر کمتر نشانی از یاد و یادگاری بر پنجره گشوده از آرزو بر جای بماند و صفی یزدانیان، منتقد آشنا به واژه در اولین قرار فیلمسازی‌اش با مخاطب، نشانی گمشده از راهی می‌دهد که سال‌هاست در عصر پیوندهای سایبری به فراموشی رفته است و البته این فضای شکل یافته از حس غریب نوستالژیک، با ظرافت و دقت در جزئیات فیلمنامه و اجرا، ساختار مناسب سینمایی یافته و برخلاف بسیاری از آثار که به پنهان رجوع به دورانی تاریخی به غارتگری احساس و اندیشه دست زده و فضایی فغان‌زده یا مضحک را در بستر شمالی یادگانه از زیست قرار می‌دهند، در دنیای یزدانیان بدون هیچ‌گونه تصنع در بیان روایت، همراه با فرآیند دلدادگی مردی عاشق‌پیشه چون فرهاد می‌شویم که گویی از یک پیش‌آگاهی ماورای زمینی برخوردار است و برای دور ماندن از نگاه دنباله‌دار برخی در این زمانه پرسش‌مدار، خود را به دیوانگی زده تا با این پوشش فریبنده، دنیای بازگوشانه خود را در قاب عشقی یادگاری از جان نگاهی دلداه حفظ کند. فرهادی که وجودش در رشت آویزان بوده و روحش، پاریسی خیالی می‌سازد و قرار بی‌قراری‌هایش را از انتظار بیوند برآها دارد و هنوز هم طعم همدلی را از پوست پرتقالی نشتسته در کلاس دلدادگی حس می‌کند.

اما راوی این شرح دلدادگی، گیل گل ایتهاچی است که با ورودش چراغ‌های شهر را به بیداری می‌خواند و جنب‌وجوشی دوباره از یادآوری را برای مردمانی بارانی به همراه دارد تا مهربان دچار فراموشی به دنبال عنایت‌الله‌خان برای رفتن به باغ محتشم باشد و آقای نجدی همراه با عکس جوانی‌اش به مرور خاطراتی گمشده در خیابان یادآوری رام برگردد. در این عاشقانه آرام، همچون رهگذران بازار رشت و گریه‌های نشتسته بر بام آرزو، چشم در چشم دوربینی خواهیم داشت که به دنبال ردپای کودکی‌ها می‌شوند و به پنهان خاطرات گلی، تلفیقی شیرین از رویای خاموش و شوقی پدیدار از کافه‌های پاریس تا بازار پریهای ماهی‌فروشان رشت را دوره می‌کنیم و از طرفی با صدای غمزده ویولن سسل و پیانو که یادآور موسیقی‌های ارزنده از فیلم‌های «سرنوشت» شگفت‌انگیز املی پولن و «بابل» بوده و همراه با سیم‌های آنتن‌شن گیتار و سرخوشی‌های آکارتون، پژواک آوایی از دیروز تمنا تا افسونی عاشقانه خواهیم داشت. فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» سرشار از قاب‌بندی‌های زیبا، ترکیب‌بندی‌ها، رنگ‌ها، فیلمنامه‌ای جزئی‌نگر و حس روایتی طنانانه بوده که همه عناصر دیداری و شنیداری را در سفره اجرای اثر چنان ماهرانه می‌چیند تا ضمن میزاسن پیچیده و کمپوزیسیون تصویری، بتوان به سادگی با فایده ارتباط برقرار کرد که در این میان نقش‌آفرینی‌های ارزنده در



از گمنامی را با جرع‌های شیر نوشیده از دست یار برطرف کند. فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» جهان روایی خود را دارد و به جای کشمکش‌های بیرونی از خلق موقعیت‌هایی تنش‌زاه کشمکش‌های درونی بین کاراکترهایی است که می‌خواهند از گمنامی به هویدا شدن درآیند، همانطور که سال‌ها فرهاد رازی سروپوش بر عشق خود گذاشته و گلی در بدو ورود به رشت، فاصله‌های محسوس و خودخواسته با شهر و مردمانش ایجاد کرده و آقای نجدی که گویی تابلویی از آینده فرهاد است، خود را در پستی فراموشی گم کرده بود و به مرور هر کدام در این سفر از انزوایی درونی بیرون آمده و هویتی بیرونی می‌یابند. سادهانگاری محض است که فیلم را پرتوفکن زیستنی بیگانه بدانیم، چرا که به عکس در این مرورگر رجعت شمار، لحن یالندنی همچون صدای جان‌مانده در کاست فرهاد بارها به اصل خود اشاره‌های شیرین یافته و تمایل به روشنی‌های مانده در دیاری می‌کند که حس باران و غم عشقی توامان دارد. صفی یزدانیان با تصاویری لذتبخش از گذشته‌های شیرین و تپلوری شاعرانه از آثار علی حاتمی و سوز خفته در دیوانگی‌های مجید سوسه‌دلان به یک گذار غمگسارانه از هویت بومی دست می‌زند و به تصور نادرست نگاه مردمان این سو به آن سوی هوایی روایی در پاریس

بخشی از فیلمنامه «در دنیای تو ساعت چند است؟»

حوا خاتم: بهت می‌گم تکون نخور... تو نمی‌تونی وول نخوری؟
فرهاد: چشم، تکون نخوردم که... حالا برای شما چه فرقی می‌کنه. شما که به‌کل به چیز دیگه می‌کشین... احوا خاتم شکلی درمی‌آورد!
حوا خاتم: حالا خیلی دلت بخواد، بگدار به جوری بهتر از خودت بکشم، بده؟
فرهاد: به روز به گلی نشونش می‌دیم... احوا خاتم، همچنان که می‌کشد، فقط با شمات و مهربانی نگاهش می‌کند.
فرهاد: یه پسرده... علی رو می‌شناختین شما... یه بار به کت منو از سرما قرض کرده بود، گلی عین الان شما داشت ازش طرح می‌کشید وسط کار گفت: «چه کت قشنگی، مبارک که، کی خریدی؟» اون قدر لجم گرفتم... هی تو دلم می‌گفتی: «همی شناسیش؟ این همه منو با این کت دیدی، حالا به این می‌گی مبارک که به این؟» چند لجم گرفتم.
آنمای نزدیک از چهره حوا خاتم که با لبخند به کارش ادامه می‌دهد!



بخشی از یادداشت کارگردان برگرفته از سایت فیلم

فیلم از امید حرف می‌زند، چون هنر تنها جایی است که می‌توان در آن از امر واقعی خلاص شد و نفسی کشید. اینها که می‌نویسم را همچنان به حساب تبلیغ برای تماشای این فیلم بگذارید. فیلمی که می‌خواهد دیده شود و بی‌تعرف نیاز دارد که این فضای مطلوبی که دور و برش ساخته شده بیشتر گسترده شود. فرهاد همه کاری می‌کند نشان دهد اینکه عمری بر سر خودش و حسش مانده دلیل نمی‌شود که «مظلوم»



نگاهی به آثاری هم‌نوا با دقایق بی‌قراری در سینمای ایران



از چیزهایی است که ما می‌دانیم و فراموش کرده‌ایم. برای علی اما کم نسیم معجزه با حضور رویا از راه می‌رسد و این معجزه عشق، و را از غار تنهایی‌اش بیرون کشیده و حس نظاره به آینده‌های متفاوت از همگرایی را برایش می‌گشاید.

فیلم «چیزهایی هست که نمی‌دانی» داستان تنهایی راننده آژانس با نام علی است که روزی می‌خواسته دنیا را با تفکری انسانی تغییر دهد اما در سایه جهانی مغایر با انگاره عشق رو به انزوایی ناخوسته می‌دارد. این فیلم درباره بسیاری

رئیس رسانه ملی: **رسالت رسانه ملی ترویج فرهنگ کار، تولید و اعتماد به نفس در کشور است**
رئیس رسانه ملی گفت: رسالت صدا و سیما در حوزه صنعت، معدن و تجارت، تبلیغ و ترویج و حمایت از فرهنگ تولید و اعتماد به نفس و تقویت فرهنگ مصرف تولید داخلی است. به گزارش تسنیم، محمد سرفراز در نشست مشترک با وزیر صنعت، معدن و تجارت و معاونان وی که در سازمان صدا و سیما برگزار شد، افزود: حمایت و ترویج فرهنگ سرمایه‌گذاری در تولید و نوآوری در عرصه‌های مختلف صنعتی و تولیدی از اولویتهای رسانه ملی است. رئیس سازمان صدا و سیما، معرفی تولیدکنندگان برتر و کارآفرینانی را که موفق می‌شوند با سرمایه کم، کالای مورد نیاز جامعه را تولید کنند از برنامه‌های رسانه ملی بیان کرد و گفت: این قشر برای جامعه الگو و امیدآفرین هستند و لذا معرفی آنها همواره در دستور کار رسانه ملی قرار دارد. سرفراز افزود: رسانه ملی در معرفی محصولات داخلی که ویژگی خوب دارند می‌تواند در قالب‌های مختلف برنامه‌سازی، همکاری کند. رئیس سازمان صدا و سیما با اشاره به اهمیت تبلیغ در فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش مردم به سمت مصرف تولیدات داخلی، تبلیغ اینگونه محصولات را در بهترین ساعات با هدف فرهنگ‌سازی از ظرفیت‌های رسانه ملی عنوان کرد و گفت: ساخت و تولید برنامه‌های مشارکتی و سریال با محتوای تقویت تولیدات داخلی و بهینه‌سازی مصرف و معرفی موانع و مشکلات راه‌اندازی خط تولید از دیگر ظرفیت‌های رسانه است. رئیس رسانه ملی ابراز امیدواری کرد کار گروه مشترک روابط عمومی‌های صدا و سیما و وزارت صنعت، معدن و تجارت پیشنهادها را بررسی کند تا زمینه برای همکاری‌ها گسترش یابد.

راهیابی ۳۳ نمایشنامه به مرحله بازیینی جشنواره تئاتر رضوی

از میمان آثار ارسالی به دبیرخانه دهمین جشنواره سراسری تئاتر رضوی، ۳۳ متن نمایشی در مرحله بازی‌خوانی بخش مسابقه پذیرفته و به مرحله بازی‌نامه راه یافتند. به گزارش تسنیم، نصرالله قادری، نادر برهانی‌مرد و افشین خورشیدباختری به عنوان اعضای هیات آزرایی و انتخاب متون این جشنواره، ۳۳ متن نمایشی را حاضر شرایط برای راهیابی به مرحله بازی‌نامه دانستند. نمایش‌های «کربلای بی‌شمر» به نویسندگی رضا صابری و کارگردانی سعید باغبانی از استان همدان، نمایش «پشت پرچین رویا» پرواز دارند کوتوران» به نویسندگی مرتضی اسدی‌مرام و کارگردانی معصومه عموری از خوزستان، نمایش «عکس اتفاق عزیز» به نویسندگی سیدمحمد مساوات و کارگردانی سعید نوروزی از کرمانشاه، نمایش «بیداری در خواب هزارمن» به نویسندگی علی تقفی و کارگردانی مصطفی بوعداز از اهواز، نمایش «سفر» به نویسندگی علی میرزایی‌عبادی و کارگردانی یعقوب صدیق جمالی و نمایش «چهار قدم» به نویسندگی پویان اصغری و کارگردانی وحید حسنوند از اردبیل از جمله نمایش‌های انتخابی بخش مسابقه هستند. همچنین نمایش‌های «آسا» به نویسندگی و کارگردانی مهدی آشوغ از خوزستان، نمایش «کارکنسوی قهوه‌ای» به نویسندگی صفا رضاییان و کارگردانی علی تذهیبی از اصفهان، نمایش «تاکسی زرد» به نویسندگی عباس جانفدا و کارگردانی محمد حسن‌زاده از خراسان جنوبی، نمایش «رستگاری در شب دور» به نویسندگی طلا معتمدی و کارگردانی علی قاضی از اصفهان، نمایش «شب سیاه» به نویسندگی هوشنگ جاوید و کارگردانی داود سعیدی از گرگان، نمایش «سوغات، سرب لال» به نویسندگی امیر زاروش و کارگردانی خلیل‌الله خسروبیگی از اراک و نمایش «مسلخ عشق» به نویسندگی و کارگردانی امیر ماهرسلطانی از تهران از دیگر نمایش‌های انتخابی برای بازی‌نامه در بخش مسابقه دهمین جشنواره سراسری تئاتر رضوی هستند. حضور نمایش‌های «در چشمان خیس اسماعیل» به نویسندگی پیمان دانشمند و کارگردانی شیوا خسرومهر از تهران، نمایش «آش با طعم زهر» به نویسندگی مجید کاظم‌زاده مذهبی و کارگردانی محمد رسالتی از گیلان، نمایش «چهار قدم» به نویسندگی پویان اصغری و کارگردانی میثم ملازیسل از قزوین، نمایش «بیداری در خواب هزار من» به نویسندگی علی تقفی و کارگردانی حسین کارگر از خوزستان، نمایش «آخرین ایستگاه امید» به نویسندگی و کارگردانی مانده وحید از اصفهان، نمایش «راه رفتن بروی ابرها» به نویسندگی احسان روحی و کارگردانی لیلی رفعت‌نژاد از آذربایجان غربی، نمایش «سوغات سربی» به نویسندگی امیرزولوش و کارگردانی پوریا کریمی از گیلان و نمایش «فروب یک روز ابری پاییز» به نویسندگی هومن روح‌نوحی و کارگردانی هومن روح‌نوحی از کرمانشاه به‌عنوان دیگر نمایش‌های انتخابی این جشنواره هستند. دهمین جشنواره سراسری تئاتر رضوی ۲۵ الی ۲۹ مرداد ماه سال جاری در استان خراسان شمالی (بجنورد) به دبیری حسین ثابت‌قدم‌وحید برگزار می‌شود.